



# ۶۷

# سوسیالیسم امروز

۳۱ شهریور ۱۳۹۷ - ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۸

www.simroz.org

S\_zijji@yahoo.se

سرمدیه: سلام زیجی

## گفتگوی سوسیالیسم امروز با سلام زیجی در باره اعتصاب عمومی در کردستان و درسها و دستاوردهای آن

صفحه ۹

## ترامپ، جمهوری اسلامی و مضحکه آلترناتیو سازی اپوزسیون مرتجع

صفحه ۴

## چند خبر و گزارش کارگری و توده ای در هفته ای که گذشت

صفحه ۷

### در صفحات دیگر:

- بچه ها برای مدرسه آماده میشوند، اما!؟
- میخواهند فضای مدارس را اسلامی تر کنند
- ریشه باورهای خرافی و تاثیر گذاری آن بر جامعه
- سالگرد مرگ امام حسین قاتل خیلی برای جامعه  
پر هزینه شده است

**من یک کارگر هستم**  
**با حقوق ۸۰۰ هزار تومان**  
**خرجی اینجانب: روزانه**

نان روزی  $1500 \times 30 = 450000$  هزار تومان  
تخم مرغ روزی  $9000 \times 30 = 270000$  هزار تومان  
کرایه خانه ماهانه ۴۰۰۰۰۰ هزار تومان  
شیر خشک و پمپرز ماهانه ۴۰۰۰۰۰ هزار تومان  
قبض آب، برق و گاز ماهانه ۱۰۰۰۰۰ هزار تومان

جمع کل: **۱۲۱۵۰۰۰** تومان

حالا با شرفا الباقی خرجم را از کجا تهیه کنم  
مثل شما با دزدی یا خود فروشی !!!!!!

## اعلامیه حزب سوسیالیست انقلابی به مناسبت شروع سال تحصیلی جدید ۱۳۹۷

معلمان، دانشجویان، دانش آموزان و خانواده های گرامی!  
امسال در یک شرایط به مراتب حساستر، دشوارتر و چه بسا سرنوشت سازتری دروازه مراکز آموزشی را در کل کشور به صدا در می آوریم. یک نسل عظیم میلیونی، حداقل ۱۲ میلیون دانش آموز و فرهنگی، که بیش از ۹۰ درصد آنها متعلق به طبقه و خانوادگانی هستند که خود زیر خط فقر و با زندگی بشدت سختی مواجه هستند سال جدید تحصیلی خود را شروع میکنند. طبقه ای که نه تنها هیچ همسویی با حاکمیت و صف ارتجاع ندارد که در جدال هر روزه با سرمایه داری حاکم اسلامی زندگی مینماید و بار کل فشارهای اقتصادی، دزدیها، فسادها و تحریم های اقتصادی اعمال شده از سوی دولت و سرمایه داران داخل و خارج کشوری بر دوش آنها قرار گرفته است.

این نسل پرشور و امید بخش جامعه طی روزهای آینده با گردهمائی در مدارس و دانشگاههای کل کشور فضای جدید دیگری توأم با شادی و دوستی و رفاقتهای شخصی تا امیدوار بودن به پیشرفت های علمی و آموزشی بیشتر و مستقل از خرافات دینی، و همزمان مساعدتر کردن زمینه برای تشدید مبارزه متحد تر برای رهایی از نکبت حاکمیت اسلامی خلق میکنند. بنابر این باید اکیدا به این امر مهم توجه داشته باشیم که در صورت به میدان آمدن یک

صفحه ۲

## کارگران جهان متحد شوید!



معلم و دانش آموز و دانشجو و کارگر در ایران و کشورهای همجوار در جهت خدمت به بقای ننگین خودش هزینه میکند! و همزمان تهی سازی کتب آموزشی و درسی از مطالب علمی و ضرور و مورد نیاز زندگی و جامعه از پیش دبستانی تا رشته های فوق دانشگاهی، و انباشتن انواع خرافات و خزعبلات عقب افتاده اسلامی در

آنها، اعمال فضای امنیتی، خفقان و سانسور و سرکوب در کلیه مراکز تحصیل و آموزش، حاکمیت مزدوران پاسدار و بسیجی و اطلاعاتی در هیئت انجمنها و شوراهای اسلامی و حراست آنها در همه سطوح

آموزشی، و در عین حال به حاشیه راندن معلمان و اساتید دلسوز و تحصیل کرده و مجرب و... فقر و فلاکت سنگین و بیسابقه و روز افزونی که معلمان و خانواده هایشان را به ورطه تلاشی و نابودی کشانیده است. نباید این شرایط را بیش از این تحمل نمود! و نباید بیش از این به این حکومت فرصت تداوم جنایت و سرکوب و اعمال تبعیض و تزییق خرافه گری داد. نسل تحصیل کرده و آگاه و سکولار و سوسیالیست میتواند دانشگاه و مدارس را به سنگر انقلابی گری، تمدن و تولید آگاهی و سمبل مبارزات انقلابی علیه جهالت و دولت و دین و سرمایه داری حاکم تبدیل کند. این تلاشها و مبارزات در صورت متکی شدن به سیاست و اهداف سوسیالیستی میتواند گامهای مهمی بردارد و جمهوری اسلامی را با عقب نشینی و شکست مواجه کند.

شروع سال تحصیلی همچنین میتواند به سال گسترش مبارزه علیه قوانین و سیستم استبدادی و اسلامی در جامعه و مراکز فرهنگی، و به حمایت جدی مراکز آموزشی از مبارزات طبقه کارگر و کلیه بازداشت شدگان فرهنگی و کارگری تبدیل نمود.

اگر بجای فراگیری خرافات اسلامی، خرافات ملی گرایانه، خرافات جنسیتی و تبعیض و بلاخره روش بردگی تبعیض از دولت و امام و شیوخ و مفت خورهای حاکم بر جامعه، خود آگاهی طبقاتی، شجاعت، برابری طلبی، انسانیت، و پی بردن به واقعیت وارونه و از خود بیگانگی دنیای حاکم سرمایه داری در جامعه در دستور کار جدی و مستمر جنبش آزادیخواهان نسل جوان و دانشگاهی قرار بگیرد، نه فقط مراکز تحصیل و آموزش و پرورش که کل جامعه گام مهمی در جهت پیشرفت انسانیت و عدالت خواهی و حقیقت جوی برخواهد داشت. به عنوان انسانهای آگاه، تحصیل کرده و روشنبین خود را موظف بدانیم که علل ریشه های استثمار و ناعدالتی، علل حراست با چنگ و دندان از حاکمیت استبدادی و از سرکوب جامعه کارگری و توده مردم زحمتکش و علل تبعیضات جنسی و اجبارکردن نصف جمعیت به حمل پوشش اسلامی، علل تداوم نابرابریهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، و در راس همه علل این همه جنایت و ظلم در حق طبقه کارگری که جهان مادی و هستی امروز مدیون کار و تلاش او است، در چیست؟! و چرا باید چنین باشد؟

اگر برای دستیابی به حقیقتها ما را به دنیای آخرت و آسمانی و دیگر خرافات دینی رجوع میدهند باید لعنت به این آسمان و آخرت و خرافات فرستاد که این چنین وحشیانه و ضد انسانی علیه مردم کارکن و زحمتکشان جامعه در جهت تامین منفعت سرمایه داران و دزدها و فاسدها و مفت خوران عمل می نماید. اما اگر عامل آن در همین کره خاکی و به وسیله یک مشت سرمایه دار و مفت خوران انگل و ظالمان و زورگویان و فریبکاران دینی و ملی جامعه هستند، که این عین حقیقت است!، باید برای ساقط کردنش و بیرون

ادامه ←

## شروع سال تحصیلی ...

صف پیشرو و انقلابی متحد کننده سوسیالیستی در میان مراکز آموزشی کشور میتواند نه فقط به سرعت چهره فضای مراکز آموزشی در کشور را به نفع سکولاریسم و تمدن و سوسیالیسم و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران سرسازمان داد، که بر روند آزادیخواهانه کل جامعه نیز علیه استبداد و مذهب و اعدام و حق خوری کارگران و علیه کلیت حاکمیت تأثیرات بسیار مثبتی گذاشت. در شرایط کنونی چشم دوختن به عروج نقش پیشرونده دانشجوین، معلمها و دانش آموزان از هر دوره ای بیشتر شده است و مبارزه موثر آنها ضرورت بیشتری پیدا کرده است.

در سالی که گذشت جامعه ایران مملو از تلاطم سیاسی، بحران و جدال بین کارگران و جامعه باحاکمیت اسلامی و تعمیق هر چه بیشتر شکاف طبقاتی، سال گسترش فقر و بیکاری و افسار گسیختگی جمهوری اسلامی علیه مبارزات گسترده در اقص نقاط کشور، و بلاخره سال از دست دادن دهها و صدها انسان جوان همکلاسی، هم دانشگاهی و همسایه و رفیق خود به دست جمهوری ضد انسانی و ضد علم و دانش اسلامی نیز بود. در همینجا یکبار دیگر یاد آنها را با تشدید مبارزه انقلابی علیه جمهوری اسلامی گرامی می داریم و به تک تک بستگانشان تسلیت عرض میکنیم!

اگر چه اکنون قریب به ۱۲ هزار جوان و نوجوان و کودک در آستانه شروع مجدد سال تحصیلی خود هستند اما همزمان ما شاهد قربانی شدن قریب به ۱۰ میلیون انسان دیگر به دست نظام ضد انسانی جمهوری اسلامی هستیم که اساسا به دلیل تحمیل فقر و بیکاری و گرسنگی به جامعه و خانواده های کارگری و نبود حداقل حمایت از کودکان و جوانان در کشور از سوی دولت و نهادهای دولتی هستیم. طبق آمارهای رسمی خودشان وجود ۹ میلیون نفر بیسواد، وجود صدها کلاس درس کپری در استانهای جنوبی کرمان، سیستان و بلوچستان و هر مزگان و دیگر نقاط، وجود چندین میلیون کودک کار و خیابانی و محروم از آموزش، وجود هزاران مدرسه فاقد استانداردهای لازم و بدون امکانات، که هر ساله شاهد آتش سوزی و فرو ریختن و آوار شدن این مدارس و فجایع دردناک و تلخ و مرگ و میر دانش آموزان هستیم، خصوصی سازی مدارس و تحصیل و رشد قارچ گونه انواع مدارس خصوصی، غیر انتفاعی و هیئت امنایی و... جهت اخذی از جیب خالی خانواده های کارگران و زحمتکشان، افزایش سرسام آور شهریه و هزینه های دانشگاهی، خصوصا دانشگاه آزاد، که تا دیروز مایملک و دارایی خانواده رفسنجانی بود و اکنون دارایی و مایملک "نهر"، باند فاسد و دزد خامنه ای جنایتکار است. و بلاخره شاهد پدیده دست فروشی دختران دانشجو در متروهای تهران و سنگ شویی قبر مردگان در قبرستان بهشت زهرا، تهران، دست فروشی و تن سپاری این دختران به انواع کارها و مشاغل سیاه جهت تامین هزینه های دانشگاهی، خودکشی و انتحار هر ساله تعدادی از دانشجویان بعلت در مضیقه بودن و اعمال انواع فشارهای اقتصادی و مالی و روانی توسط حکومت اوباش اسلامی به دانشجویان، آپارتاید و جدا سازی جنسیتی در دانشگاهها و مراکز آموزشی بر اساس تعالیم قرون وسطایی و ارتجاعی و ضد انسانی مذهب اسلام و غیره، همه گواه بر وجود یک سیستم ویرانگر و ظالمانه و غیر قابل پذیرش و بدور از شان معلمان، دانش آموزان و دانشجویان مترقی و آزادیخواه است. همه اینها باید مورد اعتراض ما قرار بگیرد، و گسترش مطالبه و اعتراض خود حول این پدیده های ضد انسانی میتواند محمل اتحاد معلمها، دانشگاهیان و دانش آموزان مبارز والدین آنها علیه این نظام ضد آزادی و ضد علم و دانش باشد.

در مملکتی شاهد چنین فجایعی هستیم که بر روی کرور کرور ثروت و سرمایه خوابیده است، که میلیاردها و میلیاردها "اختلاس"، و هزینه کردن میلیاردها و میلیاردهای دیگر برای کشتن و نابود کردن جامعه و

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## شروع سال تحصیلی ...



کشیدن حقمان از حلقومشان، با قدرت متحد اجتماعی-انقلابی خود و با افتخار در کنار هم قرار بگیریم، و به میدان بیائیم و این هیولای وحشی دینی و سرمایه داری و کلیت خرافاتی که به عنوان ایدئولوژی حافظ سرمایه و حاکمیت شان سر راهمان قرار دارد، از سر راه خود برداریم و سرنگونشان کنیم. چنانچه این رسالت و نتیجه را از کسب علم و دانش و آگاهی و حقیقت جوئی بدست آوریم دیگر نه تنها جاهلان و جنایتکاران بر ما حاکمیت نمیتوانند بکنند که به عنوان معلم و دانشگاهی و دانش آموز همواره چراغ راهنمای جامعه برای دستیابی به حقایق، آزادی، برابری سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و استقرا یک نظام شایسته و سوسیالیستی خواهیم بود.

## دوستان و رفقای عزیز!

برای تامین خواسته‌های برحق و انسانی خود، برای دست یافتن به یک نظام آزاد و برابر که آموزش مجانی و همگانی، زدودن ارتجاع و مذهب و خرافه و اسلام از کلیه مظاهر زندگی و آموزش و پرورش، لغو اپارتاید جنسی، پایان دان به زور، سرکوب، زندان، اعدام و نابرابریها در راس مطالباتش قرار دارد، به شروع یک مبارزه جدی و متحد، و آزادبخوانه و سوسیالیستی در سال تحصیلی جدید، و در همین راستا، شما را به صفوف رزمنده حزب سوسیالیست انقلابی ایران فرامیخوانیم.

زند باد سوسیالیسم!  
مرگ بر جمهوری اسلامی!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران  
Iransocialist2017@gmail.com

۳۰ شهریور ۱۳۹۷  
۲۱ سپتامبر ۲۰۱۸

## بچه ها برای مدرسه آماده میشوند، اما!؟

مینا تهرانی

بچه ها باشوق و شور فراوان و با هزار آمال و آرزوی دنیای پاک و بی آلایش کودکان خود را برای مدرسه آماده میکنند اما افسوس که کشوری که از نظر ثروت و منابع طبیعی در دنیا رتبه سوم را دارد و از نظر نیروی انسانی جوان و تازه نفس کمبودی ندارند متأسفانه نه از دولت نرمال و دلسوز و نه از مدیر و آموزش و پرورش منطبق با استانداردهای جهان امروز پیشرفته برخوردار نیست. طی این مدت ۴۰ سال فقط شعار دروغین "ایران را سراسر مدرسه خواهیم کرد" را بر در و دیوار شهر دیدیم و دریغ صد دریغ هستند هنوز استانها و شهرهای محروم و مهجور مانده و منتظر مدرسه حداقل ۲ کلاسه هستند که از گزند گرما و سرما و مسائل دیگر و ازسواد دار شدن بهره مند شوند. دزدی و چپاول دولتهای نامحترم بر همگان آشکار است و حالا که کفگیر به ته دیگ رسیده هر کدام برای تبرئه خود دست دیگری را رو میکند. این دور تسلل همچنان ادامه پیدا میکند که دیگر علنی در صحن مجلس دست همدیگر را رو کرده حالا آقازاده ها (جناب رفسنجانی) هشدار میدهند صدای انقلاب بهمین را نوید میدهد. آقای غلامرضا حیدری از گرانی و ناتوانی معیشت مردم و همچنین از ناتوانی مجلس و رئیس جمهور داد سخن سر داده، و با ورشکستگی بانک ها و دزدی های روسای بانکها و دادن اعتبار و مجوزهای واردات با دلارهای دولتی، اما دلار ها در جای دیگری خرج شد و وارد کنندگان قطعات خودرو و دارو و مایحتاج مردم به همین دلیل در بازار به چند برابر قیمت عرضه میشود که سخت موجب نگرانی خانواده ها خصوصاً حقوق بگیران دولتی که غیر از حقوق ممر درآمد دیگری نداشته چه جوابی میتوانند بدهند.

دزدهای میلیاردی و کالاهای قاچاق که توسط سپا و بسیج از مرزها وارد میشود بسیاری از فرصت های شغلی را از بین برد و موجب واسطه گری و دلالی شده که خود موجب تورم و بازار سیاه میشود و ۶۳۳ میلیارد دزدی آقای احمدی مقدم موجب انفصال خدمت ایشون شده حالا خدمتشان چه گلی بسر مردم زده و واضح و مبهرن بر هرکسیت که تا نوه و نتیجه نیازی به کار ندارند. طبق بر آورد با این مبلغ چندین بار مناطق زلزله زده را میتوانستند نوسازی کنند. خوشبختانه با درایتی که اکثر مردم از آده از زن و مرد و جوانان تحصیل کرده دارند افشاگری ها ادامه دارد و همه یک صدا خواستار سرنگونی جمهوری ظالم به تمام معنا هستیم. در چنین نظام و در سایه این همه دزدی و فساد معلوم است کودکان ما قدم به آینده روشن و خوشبخت در آموزش و پرورش تحت حاکمیت این دزدهای فاسد اسلامی نمی گذارند.

زنده باد آزادی و رهایی از ستم نظام سرمایه داری و اسلامیم.  
برقرار باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران

## میخواهند فضای مدارس را اسلامی تر کنند

سحر صحرای

داریم کم کم به شروع سال تحصیلی نزدیک میشیم و با مشکلات جدیدی مواجه میشیم. امسال از واحد استانی به کلیه ی مدارس بخش نامه داده شده برای با حجاب شدن معلمان و حتی سر کردن چادر ملی در مدارس و سخت گیری شدید تر راجع به دانش آموزان اعمال کنند. در نظر دارند فضای دانشگاه و مدارس را بیشتر اسلامی کنند چونکه از رشد بی مذهبی و قبول نکردن قوانین و عرف اسلامی خیلی نگران هستند. گفته میشود در نظر دارند از دیگر زبانها را حذف و مسائل دینی را جایگزین نمایند. همزمان با وجود گرانی دلار و دیگر مایحتاج زندگی تامین هزینه مدارس برای خلیها ممکن نیست. برای نمونه پارچه ی یونی فرم مدارس از ۳۵ هزار به ۶۰ هزار افزایش پیدا کرده است. دفتر و خودکار و کیف مدارس همه گران شده. حتی حق ثبت نام و کمک به مدارس نیز افزایش یافته و خیلی خانواده ها مجبور به ترک تحصیل فرزندانیشان هستند چون برآستی از پس مخارج مدراس بر نمی آیند. جوانان و کودکان گنج های آینده جامعه هستند. اما در ایران تحت حاکمیت اسلامی ها ما ها را برای اسلام و بسیجی شدن و با تامین ارزانترین نیروی کار در بازار و برای دولت و سرمایه داران بکار میبرند. با تحمیل این همه فقر زیاد جوانان و کودکان را محروم میکنند از آموزش و پرورش. این امر باعث شده کودکان کار بسیار ونسلی بی سواد و فقیر بیشتری در جامعه داشته باشیم. هیچ راهی برای حل این معضلات نیست بجز اینکه این حکومت را کنار بزنیم و یک حکومت طرفدار حق و حقوق کودکان و رایگان کردن هزینه تحصیل و به جای خرافات اسلامی علم و دانش پیشرفته جهانی را مبنای آموزش ما قرار بگیرد. تا جمهوری اسلامی هست آموزش و پرورش در ایران بجای کمک به رشد جامعه گسترش خرافه پرستی و اسلامی و فقر و بیکاری و خودکشی و ناامیدی بر ما حاکم خواهد بود.

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی،!

## ترامپ، جمهوری اسلامی و مضحکه آلترناتیو سازی اپوزیسیون مرتجع

ابراهیم باتمانی



ودروغگوی دولتهای بزرگ را فکوس کرده اند روی ناسیونالیستهای کورد و ترک، و به ویژه روی "شاهزاده رضا پهلوی" و سلطنت طلبان شوینیست امتحان پس داده و سرنگون شده به وسیله مردم در سال ۱۳۵۷.

در رابطه با همین استراتژی فشار و طرح کردن شخصیت‌های نوکر و دست ساز خود، رایو بی بی سی و مدیهای اقلیم کوردستان عراق و رادیو امریکا که مجری آن آقای فلاحی میباشد هر اتفاقی در آن منطقه و کردستان ایران می افتد فوراً با عبدالله مهتدی و مصطفی هجری مصاحبه میکنند و میخواهند این دو چهره سوخته و سازش کار و بی ربط به کارگران و زحمت کشان و زنان کردستان و دو عنصر آماده برای مزدوری و ایفای نقش در تحمیل جنگ قومی و غیره که گویا اینها رهبر آینده جامعه اند به مردم تحمیلش میکنند. بدین ترتیب از سازمان سیاه تا دولتهای مانند امریکا و عربستان همه در راستای همان استراتژی ضد انقلابی فعالیت دارند. برای نمونه همین اعتصاب و اعتراضاتی که هفته گذشته در کردستان ایران صورت گرفت تمام آن همه زحمت و فداکاری نهادهای اجتماعی، کارگری، فعالین مدنی، رهبران عملی و از ادیخواه و برابری طلب را به حساب چند جریان ناسیونالیست و اسلامی مرتجع نوشتند! در حالی که چنانچه فراخوان ما و دیگر احزاب کمونیست نمی بود به جای اعتصاب موفق شاهد روضه خانی ناسیونالیستی و عزا داری اسلامی در چند محله میبودیم، شاهد چنین اعتصاب بزرگ و موفقی نمیبودیم. هیچ مدیای خارجی و مدیاهای احزاب کوردی در کردستان عراق و احزاب کوردستان ایران هم به همین شکل جز سانسور حقایق و فعالیت ما کارگران و کمونیستهای فراخوان دهنده همین اعتصاب کار دیگری نکردند. من شخصا خودم گوش دادم به مصاحبه عبدالله مهتدی با تلویزیون صدای امریکا، این موجود سناریو سیاهی ضد کمونیست هیچ اشاره ای به نقش کمونیستها و احزاب کمونیست نکرد، شرمندان باد! این شخصیت‌های نوکر و خود فروخته در بارگاه "ایالت متحده امریکا" طوری این اعتصاب را معرفی کردند که گویا مردم در کردستان تافته جدا بافته از ایران است، از این اعتصاب برای خود مقبولیت فاشیستی کردی و عملاً خوشخدمتی به امریکا و آلترناتیو سازیهایش تئوریزه کردند.

در حالی که هر آدم شرافتمندی میداند نه تنها این اعتصاب که هیچ مبارزه از ادیخواهانه ای در جامعه کردستان بدون همراهی صف کارگران و آزادیخواهان در ایران به پیروزی نرسیده و نمی رسد. همانطوری که برای امثال مهتدی و دیگر جوجه ناسیونالیستها برای پیشبرد مقاصدشان سرکوب و تخریب هیچ کارگر کرد و ترک و فارس و عرب زبانی فرق ندارد. دقیقاً برای جمهوری اسلامی و خامنه ای هم چنین بوده و هست. پس به این نتیجه عملی میرسیم که باید همه کارگران و زنان و جوانان و محرومان و ستم دیدگان آن جامعه اسلام زده با اتحاد و آگاهی طبقاتی و با تشکل و قدرت و همبستگی و همکاری با احزاب مسئول و دلسوز چپ و کمونیستهای واقعی و احزاب سوسیالیست مانند ما میتوانیم متحدانه با هم جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم و هم این نوکران موجب بگیر سرمایه داری را از سر راه برداریم. ما همه را فراخوان میدهم که به هیچ یک از مدیای بورژوازی و سیستم سرمایاداری موجود در دنیا نباید اعتماد کرد چون حقیقت را بیان نمیکند و کار و وظیفه محوری آنها تحریف کارگران و کمونیستها و توجیه سرکوب آنها بدست جلادان حاکم همین سرمایه داران.

از روزی که ترامپ، این سرمایه دار لاف زن بی اعتبار، رئیس جمهور امریکا شد، و از توافق "برجام" خارج شده است شروع کرده اند به تحمیل سیاستهای ضد انسانی و قلدربایانه از جمله اعمال تحریمها ی اقتصادی علیه جامعه ایران تا بتواند دست ساخت دیروز خودشان، یعنی همین جمهوری جنایتکار اسلامی را رامتر کنند. ترامپ و غرب با یک تیر دو هدف را نشانه قرار داده اند. هم رژیم را حفظ میکنند و بارها گفته اند "ما خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی نیستیم"، هدف "تغییر در رفتار رژیم در منطقه" است. و دوم، امریکا و اروپا متوجه شده اند که اکثریت آن جامعه رژیم را نمیخواهند. به ویژه وقتی اعتراضات برحق سال گذشته و سال جاری و مبارزات گسترده کارگران را دیده اند، با سو استفاده از آن فضای اعتراضی به فکر معامله و امتیاز گرفتن خود در جهت همان "رامتر" کردن افتاده اند. با این استراتژی شروع کردن به فشار آوردن به جمهوری اسلامی، مرتجعترین نیروهای اپوزیسیون را در بوق و کرنا میکنند، و "حقوق بشر" نیز که فقط برای دیگران معنی دارد، نه برای خود که در بعد میلیونی در خاورمیانه و جهان بشر را نابود و گرسنه و سرکوب میکنند، بیش از پیش گل کرده است.

در حالی که بدبختی که امروز جامعه ایران آنرا تحمل میکند از دست این رژیم جنایتکار مقصرش همین دولتهای مدافع حق بشری بوده و هستند، آنها این رژیم را سر کار آوردند از ترس قدرت گیری مدافعین راستین "حقوق بشر" و چپها و کارگران و آزادیخواهان. اینها اکنون بنا به آن استراتژی "نه سرنگونی بلکه ایجاد تغییر" در رویکرد، روی آورده اند به آلترناتیو سازی و جمع کردن مرتجع ترین نیروهای اپوزیسیون. یک لیست از جریانات مرتجع و شوینیست فارس و سلطنت طلب و ناسیونالیستها و قوم پرستان و مجاهدین خلق این نماد ارتجاع و غیره را پشت اهداف خود ردیف کرده و فعلاً آنها را بازی میدهند تا ببیند در چه شرایطی و برای چه مقاصدی از آنها استفاده کنند.

بدین ترتیب سنگین ترین ضربه ممکن به افکار عمومی و روند مبارزه انقلابی کارگران و توده های زحمتکش و معترض جامعه دقیقاً تلقین این موضوع است که گویا شما خودتان هیچی نیستید بلکه تحرک شما را میتوان جای دیگری به نتیجه رساند و باید به امید امریکا و آلترناتیو سازیها بود، و این سیاست و شگررت عوامفریبان بهترین عامل در جهت حفظ جمهوری اسلامی بوده است. میخواهند به جامعه ناراضی تزییق کنند این جریانات مورد نظر سازمان سیاه و آقای ترامپ که به اسم "آلترناتیو" جمعشان کرده اند از جمهوری اسلامی بهتراند! و آنرا به خورد جامعه بدهند. برای سر کار آوردن جمهوری اسلامی نیز همین سیاست را پیشه کردند و خمینی جلال را مثل رهبر و نجات بخش و همه چیز مجانی میشود و زندان دیگر معنا ندارد و وو در بوق و کرنا کرده و ملزومات شکست ان قیام بر حق را از ترس قدرت گیری کارگران و جریانات چپ و کمونیست و از ادیخواه، فراهم کردند.

و الان هم داستان همین است. که مبدا قیام از پایین شروع شود و شیرازه جامعه از دستشان خارج بشود ترس از اینکه چپ و کمونیست تحزب یافته در ایران و از ادیخواهان و برابری طلبان و طبقه کارگر سرکوب شده و پر تجربه که در ایران قوی و با تجربه است نکند قدرت را بگیرند و سر کار بیایند. به همین خاطر است مقامات امریکای و اروپای و شیوخ های عرب در جلسات سالانه مجاهدین خلق شرکت میکنند و به او رسمیت میدهند. ویا مدیها نوکر

← ادامه

# آزادی، برابری، رفاه، امنیت!



ترامپ، جمهوری اسلامی و.

آثر کیمیا

## ریشه باورهای خرافی و تاثیر گذاری آن بر جامعه



سینه زنی می کنیم، زنجیر می زنیم، نذری میدهیم، ایستگاه صلواتی به پا میکنیم، مداحی میکنیم، گریه میکنیم، و... خلاصه هر چیزی که سند و مدرک نداشته باشد، در دایره بیرون علم و دانش و عقلانیت قرار دارد، و بدون آنکه ریشه اصلی و واقعیت داشته باشد اما مردم به دلیل فقر دانش و احساس ضعف و ترس به آن معتقد باشند خرافه پرستی گویند.

یک دستگاه حکومتی برای اینکه بخواهد یکسری منافع کسب کند خرافات را در بین مردم رواج می دهد. آنچه که اهمیت دارد این است که پذیرنده خرافات عقیده دارند سعی می کنند برای همه امور طبیعی علل ماورا طبیعی پیدا کنند. بیشتر از اینکه بخواهند در دنیا ی عینی و واقعی زندگی کنند در شرایط ماورا طبیعی زندگی می کنند. ما باید بدانیم که همه ما در هر فرهنگ و شرایطی که متولد شویم ممکن است به صورت ناخودآگاه درگیر یکسری خرافات شویم. معمولا افرادی که از نظر شخصیتی شخصیت های ضعیفی دارند همچنین اعتماد به نفس و عزت نفس لازم را ندارند و نمی توانند با پدیده های زندگی به صورت واقعی تری مواجه شوند معمولا به سمت خرافات می روند.

انسان خرافه پرست مسئولیت زندگی خودش را به عهده نمیگیرد و نقش خودش را در حل مشکلات کم رنگ میبندد افراد خرافاتی از لحاظ شخصیتی افرادی هستند که همیشه فکر میکنند در زندگی هر اتفاقی بیفتد هیچ تسلطی روی اعمالشان ندارند و نمی توانند موضع گیری کنند بنابراین این باورها در درون آنها بیشتر تقویت می شود. زنان بنا به موقعیت که جامعه و طبقات حاکمه و مذهب به آنها اعمال کرده است بیشتر از مردان به خرافات گرایش دارند چون زنان نسبت به پدیده ها مسائل و اتفاقاتی که در پیرامونشان رخ میدهد حساس تر و جزئی گر هستند و بیشتر در گیر تشویش و اضطراب می شوند به همین دلیل می خواهند خودشان را به اصطلاح آرام کنند.

حاکمیت شیعه و شیعه گری مخریبتترین نوع خرافه و مذهب در جهان است. اسلام در تخریب روند منطقی جامعه و کند کردن سکولاریزاسیون پیوندهای اجتماعی و نیز جلوگیری از رشد خرد گرایی نقش داشته است در ایران. همین پدیده رشد خرافات دینی و شیعه گری در برابر منطق و خرد گرایی و دانش اموزی است در جامعه مانند نظم و منظم اسلام و خرافات دینی هیچوقت صورت نگرفته است و روان فرد و رفتار اجتماعی و گرایش روشنفکری پیوسته مورد تعرض فلج کننده این دین قرار گرفته است

حاکمیت، چه در دوره شاه و چه به مرتب وحشتناکتر در دوره کنونی جمهوری اسلامی، که هر دو باورهای شیعه گری و "سایه" و "نماینده" خدا و ادامه دهنده راه امام حسینشان بوده و هستند، برای کنترل و به اسارت نگه داشتن انسانها و تجاوز به روح و فکر آنها، و به منظور زمینه سازی برای اعمال حاکمیت خود بر بردگان دینی و جامعه، از هیچ ابتکار و تجاوز و سرکوب و اجرای قوانین و ممنوعیتهای علیه جامعه انسانی ما کوتاهی نکرده اند.

بار دیگر تاکید میکنیم اینها، از احزاب ناسیونالیست و فاشیست کرد تا امریکا و صدای امریکا و بی بی سی و بقیه دشمن مستقیم ما مردم زحمتکش و آزادیخواه هستند. ما کارگران و محرومان و زنان آزادیخواه در هر کجای ایران هستیم و یا به هر زبانی تکلم میکنیم هم منفعت و هم سرنوشت هستیم. باید خیلی هوشیار باشیم این مرتجعهای سرمایه داری تفرقه در میانمان ایجا نکنند و هویت کاذب و خرافات دینی و ملی گرایانه بر ایمان نتراشند و از هم جدایمان نکنند. باید کاری کنیم حربه شناخته شده شان که میگویند "تفرقه بینداز و حکومت کن" به زبیل دان تاریخ بسپاریم و علیه خودشان تبدیلیش کنیم.

بباید با حزب سوسیالیست انقلابی ایران بنای یک دنیایی بهتر، راه مبارزه موثرتر برای سرنوشت جمهوری اسلامی و همچنین شکست و رسوائی را برای جریانات مرتجع قوم پرست و اسلامی تامین نمائیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی، درود بر اتحاد و همبستگی طبقاتیمان در سراسر کشور

تماس با حزب سوسیالیست انقلابی  
Iransocialist2017@gmail.com

## سالگرد مرگ امام حسین قاتل خیلی برای جامعه پر هزینه شده است

بهار آزادی

کوتا عرض کنم که باز قابل تحمل تر بود مناسک "امام حسین" قاتل در دوران عوامفریبی شاه شیعه مذهب. مقداری ساده تر نمایش مسخره قمه و زنجیر زنی و خرافات ماه محرم از جانب "مردم مظلوم" عقب افتاده برگزار میشد. اما در جمهوری اسلامی و در سال های اخیر این موضوع به یک بسنیز بزرگ دولتی تبدیل شده است. از انجایی که یکی از ترفند های رژیم مشغول نگه داشتن جامعه و سرگرم کردن آن ها از هر راهی می باشد، مراسم محرم به دلیل طولانی بودن بهترین فرصت برای ترویج ایدئولوژی جهل و خرافات و جلو و گیری کردن از تفکر کردن و اندیشه سالم و طرح خواست و مطالبات بی انتها در جامعه است.

این مناسک سوق دادن مردم عقب مانده به قربانی کردن احقمانه خود در راه مسئولان و رهبران دینی است که خود جز منبر و گریه ها فریب کارانه و روزه خوانی و پول به جیب زدن راه خطر دیگری انتخاب نکرده و نمیکند. در دوره ای که جامعه با فقر و گرسنگی و نگرافتن حقوشان روبرو گشتند میلیارد ها تومان صرف صنعه سازیهای تبلیغاتی این مراسم ضد انسانی میشود. صحنه سازی با گل و تصویرسازی و باز آفرینی صحنه کربلا با اسب و نخل و.. در شهرهای متعدد هزینه سر سام آوری برای همان مردمی دارد که سران این دین امام حسینی انسان حسابشان نمیکند و مفت و مرجانی سرمایه و پولشان را میخورند و هزینه اش میکنند. این رژیم با این خرافات بیش از پیش سعی در مسخ نمودن مردم نموده است. این مراسم دیگر رنگ و بوی گذشته که صرفا تعداد آدم متعصب و کم فرهنگ در گوشه ای با آن نشه میشدند ندارد. اکنون سازماندهی شده به هدف سیاسی و هزینه دولتی و توسط بسیجی ها و لمپن ها و اوباشان اسلامی و لایتهای محلی برگزار می گردد. و با بودجه فراوان دولتی و بوسیله شهرداری تمام شهر زیر پرچم و بیرقهای ریز و درشت عزاداری و خرافات امام حسین مرتجع پیشانده شده است. مردمی که به این نوع خرافات آلوده است اگر قدرت متمدن و آزادخواهانه به میدان نیاید و بساطشان را در هم نیچد به همین شکل قرون وسطی اوضاع تداوم پیدا خواهد کرد و نسل جوان پی در پی قربانیان اول این مناسک و خرافات خواهند بود.

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

## ادامه گفتگو با سلام زیجی در باره اعتصاب... ص ۱۱

صدای روشن و رزمنده و مستقل صف سوم، یعنی صف سوسیالیستی و کارگری را هم بخوبی شنیدند، با وجود تلاش هر دوی آن دو "جبهه" برای اعمال سانسور و نادیده گرفتن صدای سوم صف کارگران و سوسیالیستهای بی تعارف دیگر از جمله صدای حزب سوسیالیست انقلابی ایران. علیرغم میل آن دو طیف بخش قابل توجهی در جامعه کردستان در این مناسبت اعتصاب نیز بر ضرورت شکل دادن به قطب سوم و جنبش انقلابی سوسیالیستی پای فشردند! ریشه و زمینه اجتماعی و طبقاتی آن بر میگردد به اینکه این جامعه فقط بین ناسیونالیسم و جناح چپ آن جنبش تقسیم نشده است! صف مستقل کارگری و سوسیالیستی، صف بدون تخفیف ضد ارتجاع قومی گری و اسلامی گرای و اینکه جامعه کردستان با وجود هر ویژگی منفی و مثبتی که دارد، تافته جدا بافته از جامعه ایران نیست، و اینکه جامعه کردستان حتی برای رهایی از زیر بار ستم ملی نیز به اتحاد با کل طبقه و صف آزاده خواهان و جنبش سوسیالیستی در ایران نیازمند است، نه ناسیونالیسم کورد بی آبرو و همیشه سر بزیر و "آش بتال" کن و متکی به دولتهای دیگر. جامعه ای که چهل سال تجربه ناکامی و شکست سازمانها و سنتهای سیاسی را دارند دوباره پناه بردنشان به آن مصادف با خودکشی و استقبال مجدد از شکست است! و بالاخره آن جامعه و بخش کارگران و زحمتکشان و آزادیخواهان آن، بر عکس دیگر سنتهای موجود چپ، متعهد به تاریخ جنبش کمونیستی خود است و حامل سنت و پرچم و خون جانباختگانی است که با زنده باد سوسیالیسم و مرگ بر سرمایه داری و ننگ بر ناسیونالیسم و خرافه‌ی دینی جان باخته اند و یا در زندانها آزار و شکنجه و اعدام شده اند.

در نتیجه اگر کسی دلش برای این بخش و این صف می تپد قاعدتا میبایست میآمد برای آن تلاش نماید و از زاویه آن جنبش فراخوان اعتصاب میداد، در آن شرکت میکرد و حرف متفاوت مستقل خودش را هم میزد. شخصا آرزو داشتم و هنوز هم دارم که نیروها و شخصیت های کمونیست زیادی پیدا شوند مانند ما سیاست و حرفشان از دو طیف ناسیونالیستی و چپ پوپولیست و دنبال کنندگان جنبشهای بورژوازی متفاوتر باشد و بیایند با هم کار کنیم. چرا آنها با این پروندهای مملو از شکست و ناکامی و ایجاد تشدد و پراکندی در صفوف جنبش چپ و کمونیستی که زیر بغل خود دارند میتوانند در این شکل هم شده با هم کار کنند، ماهایی که به جز صداقت و رزمندگی و کارگری و آگاهی به منفعت طبقاتی خود و تلاش برای تحقق آزادی و برابری و پای فشاری به منفعت طبقاتی و سوسیالیستی روشن خود هیچ منفعت و هدف دیگری نداریم و نخواهیم داشت نباید بتوانیم مسئول پذیر باشیم و در یک صف واحد قرار بگیریم؟ چرا باید مانند خیلی ها متاسفانه باید یک شیخ رهبر داشت تا بتوان دورش جمع شد؟ چرا نباید بتوانیم همان سنت تشکلیابی و فعالیت جمعی کارگری و کمونیستی در مراکز کارگری، در شکل احزاب سیاسی متحد و با رهبری جمعی و متکی به درایت و تصمیم جمع دست همکاری به سوی همدیگر دراز نکنیم، اگر واقعا میخواهیم کار جدی در همین زمین صفت و سخت مبارزه طبقاتی انجام بدهیم چرا منتظر هستیم؟ بیاید جلو این گوی و این میدان! میدان بازی و جنگ جدی و نهانی علیه بورژوازی و جمهوری اسلامی هنوز به شدت خالی است، کسی که با جنبش طبقاتی و مارکس و وجدان خودش دروغ نمیگوید کسی که دنبال درجه گرفتن و خودستائی نیست، بیاید میدان تا سیاسی و مسئولانه و برابر و متمددانه برای پر کردن خلاء بزرگ کنونی آلترناتیو کارگری و سوسیالیستی کام جدی، فوری و تاریخی برداریم!

همچنانکه گفتیم وقتی زمینه اجتماعی برای یک اعتراض به جنایت رژیم و "انه" گفتن به اعدام (احزاب ناسیونالیست فراخوان دهنده خودشان مخالف اعدام نیستند) فراهم میگردد کارگری ترین سیاست این است وارد آن میدان شوید و در آنجا نقش و سیاست و مهر خود را بر آن روند بکوبید، غیر از این همه چیز بدون مانع به نفع همان نیروهای تمام میشود که جنبش ما خواهانش نیست و به زیانش تمام میگردد و زیر فشار قرار میگیرد.

بنظر من مشکل اصلی جنبش ما اینجا است که بخش عمده آنچه که امروز به اسم کمونیسم و کارگر و غیره در قالب اپوزسیون خارج کشوری "دست بالا" را دارد و ما را هم به مجالس ملال آور خود نیز راه نمیدهند، همان کمونیسم و چپی است که در سال ۵۷ یکبار کمر جنبش ما را شکست و میدان را برای ارتجاع اسلامی و ملی خالی نمود. کمونیسم ملی و سنتی که نه تنها در میدان سیاست که در شکل رهبری و حزب داری اش نیز فرق اساسی با سنتهای بورژوازی در آن منطقه ندارد.

اگر کسی میخواهد از این وضع رهایی پیدا کنیم برای ایجاد سنگر سوسیالیستی و آلترناتیو جدید انقلابی و قدرتمندی که بند نافش به آن سنت سیاسی وصل نیست، اقدام خواهد نمود. و این هم نه در روی کاغذ در بطن مبارزه و شراکت در جدال روزمره علیه ارتجاع بورژوازی ممکن میگردد. حضور فعال در چنین مقاطعی که جامعه علیه حاکمیت به تحرک در میآید و در راس آن مطالبه شناخته شده جنبش ما علیه اعدام به مطالبه عموم تبدیل میشود و یا علیه افسارگسیختگی و تروریسم رژیم علیه اپوزسیون زمینه اعتراض توده ای فراهم می شود، هیچ توجیه "کمونیستی" قابل قبول نیست برای عدم شرکت و حضورمان در چنین اعتراضی علیه حکومت اسلامی و جنایت اعدام، و برای تقویت صف جنبش طبقاتی و سوسیالیستی خودمان در مقابل دیگر جنبشها و نیروهای ارتجاعی حاضر در صحنه.

**سوسیالیسم امروز:** بطور خلاصه اگر در باره دست آوردها و درسهای این اعتصاب نظر خودت را به خوانندگان نشریه بگویند چه خواهی گفت؟

**سلام زیجی:** چکیده درسهها و دست آوردهای آن اعتصاب را میتوان چنین بر شمرد:

۱- یکبار دیگر نشان داده شد که سنت اعتصاب کردن در این مورد و چه در دیگر عرصه های مبارزاتی یکی از سنتهای مثبت، کارگری-اجتماعی و موثر برای آزادیخواهان علیه طبقه حاکمه و دولت اسلامی آن است.  
۲- بجای نظارگر بودن و سکوت، مقابله جامعه با پدیده جنایتکارانه جنایت اعدام یک امر مبرم، جدی و ممکن است.  
۳- مقابله با اقدام نظامی و تروریستی رژیم برای ترور شخصیت های سیاسی و موشک باران و سرکوب اپوزسیون و مخالفین خود در داخل و بیرون مرزها به جامعه ربط دارد و میتوان در اعتراض موثر به آن دست سرکوبگری رژیم در داخل کشور را نیز کوتاهتر نمود.  
۴- دستاورد و درس سیاسی-جنبشی آن نیز برای طبقه کارگر و سوسیالیسم و آزادیخواهان این بود که اگر چه در مبارزه با رژیم و مخالفت با آن، انواع صدا خواهیم شنید، اما سر انجام یک سیاست و یک جنبش و یک صف مستقل آزادیخواهان، پیگیر برای سرنگونی کلیت بساط جمهوری اسلامی در میدان باقی خواهد ماند. آنهم سیاست سوسیالیستی و جنبش کارگری و آزادیخواهی صف سوسیالیستها و کمونیستها است. بقیه دیر یا زود با حاکمیت آشتی میکنند. برای شریک شدن در قدرت دولتی، و گرفتن سهمی از قدرت. اکنون نیاز دارند که با شعار "همه باهم" گاه در کنار ما قرار بگیرند برای ایجاد فشار به دولت مرکزی. به محض اینکه یک روز دستشان به قدرت دولتی برسد همان کاری با ما خواهند کرد که جمهوری اسلامی امروز انجام می دهد!

۵- این اعتصاب در بطن عمومی بودن خودش باز مجددا این واقعیت سیاسی- طبقاتی را برجسته نمود که در کردستان نیز مانند همه جای ایران و جهان با یک جنبش و یک "خلق"، یک طبقه، یک مردم، یک منفعت، و مطالبه و یک آینده مشترکی برای جامعه روبرو نیستیم. هر کسی غیر از این ادعای دیگری داشته باشد اگر ناآگاه و از دنیا بی خبر نباشد یک کلاهبردار حرفهای بورژوازی است! احزاب چپ و راستی که با زیر فرش کردن این واقعیتها و مفاهیم وارد میدان شدند و از اعتصاب عمومی برای "خلق خود" سوء استفاده نمودند، احزاب و نیروهای مخاطره آمیزی برای آینده طبقه کارگر، جنبش سوسیالیستی و صف انقلابیون جامعه کردستان و ایران هستند.

۶- درس و تجربه مهم و آخر این است که فراخوان و دخالت حزب ما و بیانیه چند نهاد و فعال کارگری در کردستان و استقبالی که از آن سیاستها شد نشاد داد که در این دوره عربتر از سابق خود را نشان داده شد که جامعه دیگر میدان تخت و تاز جنبش ناسیونالیستی، جنبش اسلامی و جناح چپ جنبش ملی گرایان "حق تعیین سرنوشت" نیست، جنبش طبقه کارگر و صف سوسیالیستهای بدون تخفیف و متضاد با آن سه جنبش، با این اعتصاب و به مناسب آن اجتماعات ضرورت پیدا کرد و ناچار گردید بطور تحزب یافته تر گامی در جهت جدا کردن صف روشنتر خود از بقیه بردارد.

...7

**ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت یک ضرورت مبرم کارگران!**

## چند خبر و گزارش کارگری و توده ای در هفته ای که گذشت

عزیز آجیکند



پرداخت مطالبات مزدی معوقه خود هستند.

## اعتراض کارگران نیشکر هفت تپه به فضای امنیتی

شماری از کارگران واحد خوراک

دام نیشکر هفت تپه خواستار رسیدگی به وضعیت امنیتی حاکم بر این واحد تولیدی شده‌اند. کارگران در نامه‌ای که در کانال تلگرامی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و اتحادیه آزاد کارگران منتشر شده، نوشته‌اند که «به شدت تحت فشار هستند» و مدیر این واحد پس از منقعی شدن طرح تفکیک واحد خوراک دام کارگران را به دلیل اینکه مشکلات خود را بطور علنی بیان می‌کنند، مورد تهدید قرار می‌دهد.

## احمد امینی کارگر بیکار شده فولاد زاگرس به اتهام توهین به رهبری محکوم شد

احمد امینی کارگر بیکار شده فولاد زاگرس پس از اعلام انحلال شرکت در سال ۹۲ دست از پیگیری مطالبش برنداشت و بطور مستمر در اداره کار و دیوان عدالت اداری به همراه دیگر همکارانش طرح شکایت کرد و خواستار مطالبات خویش بود.

احمد امینی در تاریخ ۹۷/۲/۸ از سوی اداره اطلاعات سنندج به اتهام تبلیغ علیه نظام به نفع اپوزسیون جمهوری اسلامی، عضویت در یکی از آنها و توهین به رهبری جمهوری اسلامی بازداشت شد و پس از نزدیک بیست روز در تاریخ ۹۷/۲/۲۷ با قرار وثیقه صد میلیون تومانی آزاد شد.

طبق اطلاعیه اتحادیه آزاد کارگران ایران، شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج حکم تیرنه بابت اتهامات واهی که به ایشان نسبت داده بودند را صادر کرده است اما بابت توهین به رهبری حکم شش ماه حبس که به مدت یکسال تعلیق می‌باشد را صادر کرده است.

## در میان خبرها!

شناسایی ۱۴۲ هزار کودک بازمانده از تحصیل معاون وزیر آموزش و پرورش از شناسایی ۱۴۲ هزار کودک بازمانده از تحصیل در مقطع ابتدایی برای سال تحصیلی جدید خبر داد.

کودکان بازمانده از تحصیل، گروه سنی ۶ تا ۱۸ سال را در بر می‌گیرد که در چرخه آموزشی سال تحصیلی جدید حضور ندارند. فعالان حقوق کودک شمار کودکان بازمانده از تحصیل را بیشتر از آمار اعلام شده توسط دولت می‌دانند و معتقدند: افزایش هزینه و اجبار خانواده‌ها برای کمک به مدرسه، تعداد کودکان بازمانده از تحصیل را افزایش خواهد داد. فعالان کارگری نیز شرایط خانوارهای کارگری را «نامساعد» دانسته و می‌گویند: «با توجه به تاخیر در پرداخت دستمزدها و اخراج کارگران، کودکان این خانواده‌ها برای ادامه تحصیل با مشکل روبرو هستند».

## جانباختن دهها تن در تصادف اتوبوس و تانکر سوخت در نزدیکی نطنز

در جریان تصادف یک اتوبوس و یک تانکر حامل سوخت در نزدیکی نطنز متأسفانه ۲۱ تن جان خود را از دست دادند و دهها نفر نیز مجروح شدند.

این تصادف ساعت ۲۳ و ۱۴ دقیقه دوشنبه ۲۶ شهریورماه و در

ادامه

## تجمع اعتراضی کارگران سهام دار پوپلین در رشت

کارگران سهامدار کارخانه ایران پوپلین رشت روز یکشنبه گذشته ۲۵ شهریورماه، برای چندمین بار با تجمع مقابل این واحد صنعتی خواستار روشن شدن وضعیت سهام خود شدند.

کارگران بازنشسته ایران پوپلین که تعدادشان ۲۰۰ تن می‌باشد، مدعی هستند از سهامی که از سال ۶۷ به کارگران واگذار شده، هیچ سودی به آن‌ها پرداخت نشده است. به گفته معترضان، کارگران سهامدار کارخانه ایران پوپلین بیش از ۲۵ سال است سهامدار این کارخانه هستند اما طی این مدت سود سهامی دریافت نکرده‌اند.

## اعتصاب رانندگان خودروهای سنگین در فولاد زرنديه ساوه

روز سه‌شنبه ۲۷ شهریورماه رانندگان خودروهای سنگین در فولاد زرنديه ساوه در اعتراض به وضعیت معیشتی خود دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. رانندگان خودروهای سنگین در سراسر ایران اعلام کرده‌اند که در اعتراض به گرانی لوازم یدکی و لاستیک و کرایه پایین حمل بار و عدم هیچگونه اقدامی از سوی دولت برای بهبود وضعیت معیشتی این قشر زحمتکش به‌رغم ۴ دور اعتصاب که نزدیک به ۳۰۰ شهر در ۳۱ استان کشور را در بر گرفت از اول مهرماه نیز برای پنجمین بار دست به اعتصاب خواهند زد.

## دستگیری کارگران کارخانه هپکو اراک

کارگران هپکو که از سال گذشته تا هفته های اخیر در رابطه با وضعیت نامشخص شغلی خود، واگذاری شرکت به بخش خصوصی و دستمزدهای معوقه دست به اعتراض و اعتصاب زده بودند که در جریان این اعتراضات ۱۰ تن از کارگران بازداشت و بعداً با قید وثیقه آزاد شده بودند. این بارو در پی اعتراضات دوباره کارگران و بعد از مستقر شدن نیروهای امنیتی در محیط کارخانه و تشدید فضای کنترل، دادستانی اراک ۱۶ نفر از کارگران را به اتهامات واهی مانند، "شرکت در اجتماعات غیرقانونی" و "تبلیغ علیه نظام"، به بیدادگاه اسلامی احضار نموده است و قرار است در ۷ مهرماه کارگران احضار شده محاکمه شوند. لازم و ضروریست که کارگران هپکو دیگر کارگران و فعالین کارگری باید متحدانه و با اعتصابات حمایتی و اختطاری از همکارانشان دفاع کنند. بخشهای مختلف طبقه کارگر باید علیه این سیاست کثیف ضد کارگری و اکتش نشان دهند.

## اعتراض کارگران پتروشیمی فارابی ماهشهر

کارگران پتروشیمی فارابی ماهشهر در ادامه اعتراض به وضعیت شغلی خود، از چند روز پیش از خوردن وعده غذایی تهیه شده در کارخانه خودداری کرده‌اند.

این کارگران «از چند روز پیش به دلیل بی توجهی کارفرما به مطالباتشان از خوردن غذای کارخانه خودداری کرده‌اند.» «کارگران پتروشیمی فارابی از ششم شهریور امسال در اعتراض به عدم اعمال طرح طبقه‌بندی مشاغل چندین مرتبه تجمع و اعتصاب کرده اند».

## تجمعات اعتراضی کارگران اخراجی پارس میل نگ تاکستان

کارگران اخراجی "پارس میل‌لنگ" تاکستان بار دیگر مقابل ساختمان این واحد تولیدی تجمع کردند.

این کارگران از ابتدای شهریور امسال «به دلیل اتمام قرارداد» بیکار شده‌اند. آنها می‌گویند که کارفرما مطالبات مزدی آنان را به صورت کامل پرداخت نکرده است. کارگران خواستار بازگشت به کار و

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!



چند خبر و گزارش کارگری و

معناتان به مرز ۵ میلیون نفر می رسند

۱۸ میلیون ایرانی تفریحی مواد مخدر مصرف می کنند

کیلومتر ۲۵ جاده کاشان-نطنز اتفاق افتاد. در تیرماه سال جاری در تصادف تانکر سوخت با یک اتوبوس مسافربری در سنج نیز دستکم ۱۳ نفر جان خود را از دست دادند. ایران یکی از نقاط حادثه‌خیز جهان از نظر رانندگی است. بنابه گزارش وزارت بهداشت، سال گذشته ۱۶ هزار و ۳۰۰ نفر به دلیل سوانح جاده‌ای جان خود را از دست داده اند.

دردسرهای حضور احمدی‌نژاد در مجلس مجمع  
مجمع تشخیص مصلحت نظام صبح امروز، شنبه با حضور اعضاء تشکیل جلسه داد. در میان نمازگزاران مشغول شده از جلسه مجمع، تصویری از همنشینی این‌الله محسنی مجدند شنبه‌ی امام جمعه سابق تبریز با احمدی‌نژاد، حاشیه ساز شده است. در این تصویر به نظر می‌رسد، این‌الله محسنی مجدند شنبه‌ی خود را پشت به احمدی‌نژاد کرده و آشکارا از نشستن کنار احمدی‌نژاد ناخوش است.



**معضل بی آبی گریبانگیر ۱/۵ میلیون نفر از مردم سیستان و بلوچستان**  
به گفته مقامات جمهوری اسلامی ۱/۵ میلیون نفر از مردم سیستان و بلوچستان درگیر معضل کم آبی هستند.

پیشتر نیز دبیرکل جمعیت هلال احمر ایران گفته بود که بیش از نیمی از جمعیت سیستان و بلوچستان ساکن روستاست و نزدیک به ۹۵ درصد روستاهای این استان فاقد آب آشامیدنی سالم هستند. مقام‌های محلی می‌گویند که این وضعیت مهاجرت اجباری ۱۳۰ هزار خانواده را به دنبال داشته است.

**گزارش سازمان ملل علیه نقض حقوق بشر در ایران**  
گزارش اخیر دبیرکل سازمان ملل درباره وضعیت حقوق بشر در ایران، به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شد.

در این گزارش به سرکوب اعتراضات دیماه، سرکوب اعتراضات بازار تهران، نوع برخورد با دوتابعیتی‌ها، اعدام، شکنجه و بدرفتاری، وضعیت در اویش‌گنابادی، قوانین تبعیض آمیز علیه زنان و دختران، وضعیت اقلیت‌ها اشاره شده‌است. در پایان این گزارش، دبیرکل سازمان ملل متحد، از جمهوری اسلامی خواسته است، اعدام، به ویژه اعدام مجرمان زیر سن قانونی، شکنجه، قوانین محدود کننده آزادی بیان، قوانین ضد زن و تبعیض علیه اقلیت‌ها را ملغی کند.

**ترک تحصیل بیش از ۱۵۰ هزار دختر در سال جاری**  
بیش از ۱۵۰ هزار دختر در سال جاری در مقطع متوسطه مدرسه را ترک کرده اند.

در همین ارتباط، معاون آموزش دوره متوسطه دوم وزارت آموزش و پرورش رژیم اذعان کرد، هر سال بیش از چهار درصد دختران دانش‌آموز ترک تحصیل می‌کنند. فقر، ازدواج زودهنگام، مشکلات فرهنگی و نبود امکانات از جمله دلایل ترک تحصیل دختران عنوان شده است.

**اعتصاب غذای دهه‌تن در زندان های ایران**  
بیش از ۲۰ زندانی سیاسی\_ عقیدتی در زندان‌های مختلف ایران در اعتصاب غذا هستند.

سکوت مقام‌های قضایی جمهوری اسلامی در قبال این اعتصاب‌ها موجب نگرانی خانواده‌ها و فعالان حقوق بشر شده است. به گزارش "کمپین حقوق بشر در ایران"، در حال حاضر ۱۸ رویش گنابادی زندانی در زندان تهران بزرگ به علاوه نسرین ستوده و فرهاد میثمی در زندان اوین تهران و مهین‌تاج احمدپور در زندان تنکابن، در اعتراض به نقض حقوق خود در اعتصاب غذا به سر می‌برند. وضعیت جسمانی اغلب آنان نیز نامناسب گزارش شده است.

**درخواست صدها نفر از فعالان مدنی و سیاسی برای پایان اعتصاب غذای نسرین ستوده**

۳۴۰ نفر از فعالان مدنی، سیاسی و فرهنگی در نامه‌سرگشاده‌ای خطاب به نسرین ستوده خواهان پایان اعتصاب غذای وی شدند. فعالان مدنی، سیاسی و فرهنگی ایران تأکید دارند که سلامت تلاشگرانی چون نسرین ستوده "تضمینی بر تداوم مبارزه مدنی" است. ۳۴۰ تن از آنها در نامه سرگشاده‌ای خطاب به نسرین ستوده، از او خواسته‌اند به اعتصاب غذای خود پایان دهد. نام برده از سوم شهریورماه در اعتراض به "بازداشت و فشارهای قضایی متعدد بر خانواده، بستگان و دوستان" خود دست به اعتصاب غذا زده است. از جمله زندانیانی دیگری که در اعتصاب غذا به سر می‌برند می‌توان به فرهاد میثمی، فعال مدنی اشاره کرد که از دهم مرداد ماه در اعتصاب غذا به سر می‌برد.

**کارگران، زنان، جوانان، مردم مبارز و تشنه آزادی و برابری!**

برای رسیدن به اهداف خود به صف کارگران و سوسیالیستها، و به حزب سوسیالیست انقلابی ایران پیوندید! این حزب، حزب شما است! حزب سوسیالیست انقلابی را به جامعه معرفی کنید و در حمایت از آن در شکل محافل و دستجات مختلف خود را سازمان بدهید، خود را با رهبری حزب هماهنگ کنید، و بطور منظم با ما در تماس باشید. iransocialist2017@gmail.com.





هستیم که در کل ایران با آن دریگر هستیم.

## گفتگوی سوسیالیسم امروز با سلام زیجی در باره اعتصاب عمومی در کردستان و درسها و دستاوردهای آن

**سوسیالیسم امروز:** حزب سوسیالیست انقلابی ایران نیز، مانند دیگر احزاب سیاسی چپ و راست آن جامعه، طی فراخوانی تحت عنوان **"فراخوان حزب سوسیالیست انقلابی ایران به اعتصاب عمومی در کردستان علیه جنایات جمهوری اسلامی، چهارشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۹۷ و ضرورت حمایت کلیه احزاب و شهروندان آزادیخواه در کل کشور از اعتصاب!"**، جامعه را به اعتصاب کردن فراخوان دادید. سوال این است چرا چنین فراخوان و اعتصابی علیه جمهوری اسلامی برای حزب شما در این مقطع ضرورت پیدا کرد؟

در هر جا بتوانیم با اتکاء به آن سیاست آزادیخواهانه و مستقلى که اشاره شد دخالت کنیم و نقش آفرینی نماییم کوتاهی نخواهیم کرد. اتفاقاتی که زمینه اجتماعی امکانپذیر بودن اعتصاب عمومی را فراهم کرد این واقعیت را در مقابل حزب ما گذاشت که با همان متد و سیاستی که داشته ایم و داریم در برخورد به کل تحولات جاری در ایران، و با در نظر گرفتن ویژگی جامعه کردستان، در آن حضور فعال داشته باشیم و خودمان جامعه را به این اقدام اعتراضی علیه رژیم فراخوانیم. در این راستا بود که ضرورت این فراخوان برای رهبری حزب مطرح شد. از سر مقابله اجتماعی با یک پدیده جنایتکارانه اعدام و در گام بعدی علیه یورش تروریستی و گستاخانه به اپوزیونی بود، که حتی خود ما در هیچ میدان اصلی مبارزه و جبهه مشترکی با آنها نداشته و نداریم. ولی تفاوت‌های سیاسی ما با این اپوزیون مانع مقابله و فراخوان ما علیه چنین رژیمی نشد که همین یورش گستاخانه را قبل از ضربه به حزب معینی، میدانستیم که هدف فرائزی را تعقیب میکند. هدف محوری رژیم با این اعدامها و همزمان حمله نظامی به اپوزیون، طبق نقشه‌ی از قبل آماده شده و هماهنگی که داشت در گام نخست مرعوب کردن و ضربه زدن به کل جنبش آزادیخواهی و کارگری در ایران و کردستان بود و همزمان قدرت نمایی ذبوحانه نظامی در مقابله با رقیبان مرتجع و همقطاران خود در منطقه و گام بیشتر رو به جلو نهادن در کنترل و تحت سیطره خود قرار دان حاکمان عراق و کردستان عراق.

اعدام جنایتکارانه سه جوان زندانی سیاسی همزمان، که ماها و سالها بود همه احزاب و افکار عمومی ایران و جهان و نهادهای بین المللی را به خود جلب کرده بود و از هر سو به ایران فشار آورده شد که دست به این جنایت نزنند اما وقتی این رژیم جانی به همه این تلاشها و فشارها از جمله درخواست مکرر مادرانشان جواب نداد و کار جنایتکارانه‌اش را اجرا نمود باعث شد که جامعه به این حرکت جنایتکارانه واکنش نشان دهد و صدای اعتراض خود را رو به همگان نشان دهد. رویداد حمله به مقرات حزب دمکرات نیز شعله‌ی این آتش و نفرت را ابعاد بیشتری بخشید. همگی این رویدادها که عمدتاً در جامعه کردستان ایران متمرکز بود، طبیعی بود در آن جامعه زمینه بسیار مساعدی برای اعتراض علیه آن جنایات صورت بگیرد. در چنین شرایطی و با توجه به ویژه گی های خاص جامعه کردستان روشن بود فراخوان علیه رژیم با پاسخ مثبت رو برو خواهد شد. ما میدانستیم که در این اقدام حزب ما تنها نیست اما تشخیص دادیم نفس شکل گیری اعتراض به این جنایت از جمله به جنایت علیه اعدام جنایتکارانه‌ان سه نفر، که بنظر بستر اصلی خشم اجتماعی در جامعه را فراهم نمود، تصمیم گرفتیم در آن نقش خود را ایفا کنیم و نگذاریم به این مناسبت و اعتراض بر حق، به زبان جنبش آزادیخواهی و کارگری در کردستان و بویژه در ایران بهره گرفته شود.

← ادامه

**سلام زیجی:** فراخوان ما در این مورد در راستای سیاست پایه ای ما درقبال اتفاقات و تحولات سیاسی در ایران، و متکی بر بیان حقایق، پای فشاری بر شکل دادن به صف و سیاست و راه حل‌های مستقل انقلابی و سوسیالیستی بوده وهست. در هر جایی روزنه ای برای نمایندگی کردن و تقویت جنبش آزادیخواهی و تاثیر گذاری به نفع آن صف و اهداف انقلابی وجود داشته باشد حزب ما در آن حضور خواهد داشت و فعالانه برای تحقق آن و عقب نشینی کردن به جنبشها و صفهای بورژوازی، ام از ناسیونالیست، شونیستی، اسلامی و پوپولیستی تلاش خواهد کرد. منطق و ضرورت فراخوان ما به اعتصاب و برخورد فعال ما به آن از همینجا نشأت میگیرد. برای مثال در همین رویداد دیماه ۹۶ و اتفاقات بعد در سال جاری نیز، که از سوی اعتراض بر حق علیه فساد واستبداد و جمهوری اسلامی به میدان آمد و از سوی دیگر دیدیم شعارهای ارتجاعی دیگر نیز در راستای منفعت ارتجاع شونیستی سلطنت طلبی یا مجاهد بالا آمدند که منجر به مواضع متفاوت ما با خیلی ها گردید، و ما به درست تسلیم "مردم" و "همه باهم" گفتن ها نشدیم. پرچم سوسیالیستی متفاوتی را بر افراشتیم وسیاست درستی را نمایندگی کردیم. ضمن اینکه از نفس آزادیخواه مطالبات دفاع نمودیم و در پیشروی آن تلاش کردیم اما همزمان گفتیم مردم دنبال شعارهای ارتجاعی ناسیونالیسم ایرانی و مجاهد و یا هذیان گویی ترامپ و سیاست ضد آزادیخواهانه هیئت حاکمه امریکا نباید بیاقتند. شما این پیام را از هیچ جریان چپ دیگری در آن مقطع نشنیدید که هیچ حتی گفتند "اپوزسیون نباید اپوزسیون اپوزسیون باشد!" و بعضاً "فشار امریکا" را مثبت دیدند و هنوز هم مثبت میبینند! ما گفتیم هر شکلی از اعتراض را حمایت نمیکنیم چنانچه صف آزادیخواهی و کارگری و برابری و آزادی و سوسیالیسم را نمایندگی نکند. بخشی از روند عقب نشینی آن اعتراضات بر میگردد به سیاستهای غلط همه با هم و سازش آشکار چپ با راست و قول دادنهای واهی "سرنگونی همین امروز" و خوشخیال کردن جامعه به بهانه دفاع جهانی و امریکا و اینکه بلاخره همه علیه رژیم هستیم و جنبش سرنگونی با قدرت به جلو میرود و غیره. در هر صورت میخوام تاکید کنم که همین سیاست منطق طبقاتی و سوسیالیست ما در باره همزمانی فراخوان به اعتصاب عمومی و مرزبندیمان با قطب راست اپوزسیون فراخوان دهنده به اعتصاب، عمل نمود. هر آدم بیطرف و منصفی میتواند با مراجعه مجدد به اطلاعیه‌های رسمی حزب و حتی پیام شفاهی رفقای ما به این مناسبت به این واقعیت ها آگاه گردد.

ما در کردستان ایران نیز، با هر تفاوت و ویژگیهای که وجود دارد، با یک رژیم و زنجیره جنایت شناخته شده جمهوری اسلامی و همچنین با گرایشات و احزاب اپوزسیون و جنبشهای متضاد و متفاوتی روبرو

## گفتگو با سلام زیجی در باره اعتصاب...

بر این باور بودیم که نباید اجازه داد این اعتراض با خرافات ملی گرایانه بدون در نظر گرفتن شرایط ویژه آن رویداد معین دوباره تئوریهای غلط و فریبنده "همه رنگ بودن" و "همه با هم بودن" به عنوان رمز موفقیت "احزاب" و "مردم" در بوق کنند. در آخر دیدیم همه فراخوان دهندگان دو طیف چپ و راست کم و بیش همین روش تبلیغاتی را در پیش گرفتند و ما برای خنثی کردن آن به سهم خودمان همان روز و همزمان با اعلام پیروزی اعتصاب، نسبت به پیروزی این حرکت انقلابی موضع گرفتیم و صمیمانه به اعتصاب کنندگان تبریک گفتیم و همزمان هشدار دادیم، از جمله اعلام نمودیم:

"تردید نیست با این اعتصاب پیام محکمی به "نه به اعدا!" و "نه به تروریسم و جنایت‌های اخیر جمهوری اسلامی!" داده شد. تا اینجا کار بسیار با ارزشی صورت گرفته بود، اما کافی نیست!، باید این حرکت و دستاوردهای آنرا در راه اتحاد و همبستگی هر چه بیشتر با مبارزات کارگران و زحمتکشان و کلیه مبارزین راه آزادی و برابری در کل کشور علیه رژیم جانی اسلامی بکار گرفت، باید آنرا در راستای منفعت و اتحاد طبقاتی کارگران سراسر کشور بکار گرفت، صرف تبلیغات حول "جنبش انقلابی کردستان" و "مردم کورد" و برخی شعار تحریکات و تبلیغات دیگر ناسیونالیستی و غیره نه تنها گمراه کننده و اشتباه آمیز هستند، که ربطی به صف آزادیخواهی و حقیقت ندارد حتی اگر در زوروق "چپ" و "انقلاب کارگری" هم پیچیده شود!، به علاوه تاریخ و تجربیهای پیشمار، از جمله در کردستان و مناطق کردنشین بارها به ثبوت رسانده است که مبارزات آزادیخواهانه، از جمله برای شکست دادن ارتجاع دولت مرکزی و سرکوب و ترور آن علیه شهروندان، و همچنین تلاش برای "رفع ستم ملی" نیز، مادام به سیاست و اهداف جنبشها و نیروهای بورژوا- ناسیونالیستی و حول دعوی آنها بر سر سهم خواهی بورژوائی خود از دولت مرکزی گره زده شود، جزء شکست و ناکامی هیچ دستاوردی از جمله برای شهروندان تحت سرکوب کرد زبان بدنبال نخواهد داشت!

از همه اعتصاب کنندگان، و به ویژه از طبقه کارگر و زحمتکش و آزادیخواه جامعه کردستان و نیروهای هشیار سوسیالیستی میخوایم، با تمام توان و انرژی خود اجازه ندهند نتایج پیروزی اعتصاب بر حق علیه ارتجاع اسلامی و علیه اعدا و ترور آن رژیم برای مقاصد های دیگری مورد بهره قرار گرفته شود. باید آنرا در جهت تقویت، اتحاد و تعمیق خشم انقلابی و آزادیخواهانه کارگران و زحمتکشان مقیم کردستان و کل جامعه ایران علیه نظام وحشی جمهوری اسلامی و طبقه سرمایه دار در کردستان و ایران بکار گرفت و علیه آنها صف مستقل، آزادیخواهانه و سوسیالیستی خود را به میدان آورد تا آزادی و برابری واقعی را با قدرت اجتماعی و زور سازمانیافته طبقاتی خود بدست بیاوریم!"

بدین ترتیب فراخوان و شرکت ما با این هدف صورت گرفت که ضمن تقویت مبارزه و اعتراض جامعه در قالب اعتصاب عمومی علیه اعدا و یورش نظامی علیه اپوزسیون در کردستان عراق تصمیم گرفتیم سیاست متفاوت و سوسیالیستی را در این جریان نیز نمایندگی و تقویت کنیم. گفتیم نباید اجازه داد اعتراض بر حق کارگر و کمونیسم و صف آزادیخواهی جامعه کردستان، مانند موارد زیادی در سراسر کشور قربانی سیاستهای دست راستی احزاب و دولتهای بورژوائی و چپ دنباله رو و پوپولیست همیشه در حال "تحلیل و بررسی" شود. گفتیم نباید گذاشت در این پوشش بخاطر "کردستان" و اقدام "همگانی" صف و صدا و مطالبه جنبش کارگری و سوسیالیستی در میان هیاهوی ناسیونالیستی-پوپولیستی و تئوریهای راست نئوریزه کننده عناوینهای مانند "جنبش کردستان"، "مردم کورد" و "خلق کردستان" که از یک جریان مرتجع مذهبی تا یک ناسیونالیست و فاشیست کورد و تا جناح

چپ آن جنبش در سایه این نوع مفاهیم فعالیت میکنند و تبلیغ نمودند، مخدوش واقع گردد. ما مطمئن هستیم و باور داریم که نقش مفید در این باره ایفا کرده ایم و این گام ما، انعکاس جدی اجتماعی داشته است، هر چند باید متأسفانه اقرار کرد فضای جامعه کردستان نیز تا این لحظه تحت فشار تبلیغاتی و فرهنگ ناسیونالیستی و چپ ملی گرا است که تحت نام عناوین فوق و "حق تعیین سرنوشت" تیشه به ریشه خود آگاهی طبقاتی صف کارگران و کمونیستها زده است.

### سوسیالیسم امروز: حزب شما چرا در فراخوان "جمع نیروهای چپ" حضور نداشت و خود راسا فراخوان داد؟ نقش آنها را در این رویداد چگونه میبینید؟

سلام زیجی: اولاً آن یکی دو حزب اصلی شرکت کننده، بنا به دلایل بسیار روشن تاریخی در تخریب صف کمونیستها و تحمیل انشعابات بخاطر منفعت خودشان، و بنا به سنت و سیاست سکتاریستی و ضد انتقادی و همچنین بنا به سبک رهبری ماداملمری پدران و سنتی شان که هموار متکی به شکردهای دیپلماتیک و محفل و زیر زمینی اند، روشن بود به حزبی که بطور شفاف و علنی به تاریخ و عملکرد و سیاست آنها نقد جدی داشته است و حاضر به "لبیک" گفتن به هیچ کسی نیست معلوم است به آن مراجعه نمی کنند، یا بقول محافل عقب مانده درونی خودشان "مطرح" مان نمی کنند! شما باید گروه خونتان به گروه خونشان بخورد تا بتوانی در جمع گرم محفل شان جای پیدا کنی. آنها را ما بارگ و ریشه میشناسیم که چه طیف و چه هیران "هممی" در شکست و تخریب صف کمونیستی در همین جامعه کردستان و تقویت صف مرتجعین ضد کمونیست نقش ایفا کرده اند. از اینرو باید بگویم آنها بنا به این دلایل به ما مراجعه نکردند تا پاسخها و تفاوتیهای فیما بین طرح گردد، و معلوم شود توافقی حاصل میشود یا نه.

بنظرم همه باید این واقعیت را بدانند که سکندار و پیشنهاد دهنده این حرکت "مشترک چپ" در کردستان خوب بلد است که چگونه و از کجا میتواند "چپ" مورد نظر خودش را، حتی اگر هزار بار به آنها نیز گفته باشد نامربوط به جامعه و بی نقش و روشنفکر و شکست خورده هستند و به سازمان ما و به جنبش انقلابی کردستان خیانت کرده آید و ضربه زده آید، در چنین مقطعی که اطلاع هم دارد خود آن چپ و یا فلان حزب معین در بحران و ریزش نیرو گرفتار است و فقط تابلوش باقی مانده و چند "کادر" با "اعتماد بنفس" دارند، با ابتکار خاصی در هماهنگی از پیشی با جریانات دیگر "کورد" در "جنبش کردستان" این چپ را با خود همراه و کش میکند. این همراه شدن بدون وجود مرز و سیاست شفاف و روشن کمونیستی نتیجه اش این شد که نتوانیم در این فراخوان بطور برجسته ای صدا و تربیون روشن کمونیستی را به احتراز در بیاوریم و این اعتصاب بر حق و درست را به نفع جنبش کارگری و سوسیالیستی آنطوری که میبایست و ممکن بود تمام کنیم و به کرسی بنشانیم.

تا جایی که به نقش آن "جمع چپ" بر میگردد زیر هژمونی و با ابتکار و امکانات هدایت کننده اصلی رهبری سازمان مقیم "زرگویز" گرد هم آمدند و به نمایندگی این یکی دو سازمان و یکی دو جمع چپ دیگر، توانست هم در قالب "فراخوان چپ مشترک" عمل کنند و خود را در راس قرار بدهند و هم به عنوان "رهبر جنبش خلق کرد"، و هماهنگ کننده چپ و راست احزاب کردستان و امتیاز گرفتن و کارت قدرت نشان دادن به هم جبهه های "مشترک" دیروز خود مانند سازمان خبات و "حزب کومله" و "حزب دمکرات کردستان ایران و دیگر "احزاب جنبش انقلابی کردستان" قدرت نمائی کنند و هم با آنها (مرکز اسلامی- ناسیونالیستی) به نمایندگی از این چند سازمان

ادامه ←

زنده باد آزادی، برابری، سوسیالیسم!

## گفتگو با سلام زیجی در باره اعتصاب...

چپ "جنبش کمونیستی"، هماهنگی ایجاد کنند و سر انجام کل ماجرای این اتحاد را به نفع سنت سیاسی چپ ملی خود مورد استفاده قرار دهند و صف مستقل کارگری و کمونیستی را یکبار دیگر در کردستان در قبال بورژوازی و ناسیونالیسم کرد مخدوش و تضعیف نمایند.

در هر صورت، چنانچه و به هر دلیلی ما را نیز از پیش دعوت میکردند به اقدام مشترک "چپ" شخصا هرگز امضاء پای متن سیاسی فراخوان تهیه شده آنها نمی گذاشتم. از متن سیاسی فراخوانشان تا سکوت معنی دار آنها در قبال نقش و تبلیغات مسموم احزاب ناسیونالیست و جریانات فاسد سیاسی مانند "حزب کومله" و تا میزگردهای بعدی "مشترکشان"، از جمله میزگرد تلویزیون کومله در استکهلم با احزاب دو طیف چپ و راست جمع شده بر سر یک سفره "دمکراتیک" و در کمال صلح و آرامش برنامه اجرا کردند. همه میدانیم که نتیجه منفی چنین اتحاد و بد و بستانی برای آینده سرنوشت کارگر و سوسیالیسم و جنبش طبقاتی ما به شدت مسموم کنند و عامل بازنگری چپ و کارگر در قبال بورژوازی و ناسیونالیسم خواهد بود. و البته علیرغم این نقش منفی و مخاطرات، از آنجا که آن جامعه فقط میدان حضور و نقش آنها نیست، ما کارگران و سوسیالیستهای ضد ناسیونالیست و ضد سرمایه دار هم فعالیت داریم، به آسانی نمیتواند سفره مشترک "کوردی" بین کارگر و سرمایه دار کورد پهن کند.

اما مستقل از این تفاوتها و اشتباهات بنیادی که در قالب نادرست و غیر واقعی و مردم پسند "اتحاد" بخورد جامعه میدهند و گویا پیروزی این اعتصاب حاصل "اتحاد راست و چپ" بوده، که قویا ما چنین ادعای را نادرست و رد میکنیم! و آنرا حتی مضر و بازدارنده ارزیابی و معرفی میکنیم و در مقابلش جنبشمان را به مقابله دعوت میکنیم. ولی همچنانکه قبلا گفتیم با صورت مسئله ضرورت اعتصاب فراخوان دادن و نفس ضرورت اقدام اجتماعی علیه اعدام و جنایات رژیم مشکلی نداشتیم و موافق چنین اقدامی بودیم و خود ما نیز مستقلا اقدام کردیم چرا که درست و مفید دانسته و میدانیم. اینکه هر جنبش و جریانی ساز خود را زده یک پدیده واقعی سیاسی است که فقط مختص به جامعه کردستان هم نیست. مشکل ما بر سر محتوای کار و به هم زدن صفوف سیاسی جنبشی و طبقاتی عمیق و تاریخی جنبش ما و جنبش بورژوا- ناسیونالیستی کورد در پوشش کمونیست است، که از جانب آن چپ عملا بنا به متن فراخوان و عملکرد تبلیغاتی بعدی خود و سکوت معنی دارشان در رابطه با هماهنگی شان با آن مرکز کذایی بورژوازی کورد، و اینکه حتی سکوت معنی داری کرده اند در باره تبلیغات دروغین و ناسیونالیستی- فاشیستی برخی از نیروهای احزاب ناسیونالیستی در قبال اعتصاب، همه و همه گویای بی ربطی کار این دوستان به امر واقعی کارگر و کمونیسم و صف مستقل از ادیخواهانه در جامعه کردستان در تقابل هم با رژیم و هم با بورژوازی کورد بود.

**سوسیالیسم امروز:** بخشی دیگری از نیروهای چپ از سر انتقاد از اعتصاب و به ویژه فراخوان دهندگانش برخوردار نموده اند و در نهایت آنرا به نفع کارگر نمی دانند مثلا به دلیل فراخوان همزمان "مرکز همکاری احزاب کردستان" به اعتصاب، نظر شما در باره این بخش از چپ چیست؟

**سلام زیجی:** بنظرم این آنسوی سکه ی میتواند باشد که به هر قیمتی و به هر بهانه ای دارد در پوشش "جنبش کمونیستی" به ناسیونالیسم و به جنبشهای دست راستی و پوپولیستی سرویس میدهد تا "توده ای" شوند. آنسوی سکه چپ ملی و پوپولیستی میباشد که "این اعتصاب قدرتمند" را صرفا به "نفع کارگر و زحمتکش" میداند و علاقمند است خود فریبی کند و به کسی هم توضیح ندهند پس ناسیونالیسم و احزابش در این اعتصاب کجا رفته بودند و قتی شما به تنهایی تشریف داشتید؟

اگر توجیه این دوستان برای رد نفس اعتصاب آن "مرکز" ارتجاعی است، پس شما چرا هنوز هم با اغراق از "جنبش دیمه" "احتراف توده مردم" حرف میزنید که در آن جنبش و توده مردم از ترامپ تا ولیعهد و رجوی و من و شماد آن نقش داشتیم و فراخوان میدادیم و هر کسی هم مهر خودش را به آن کوبید. بنظر میرسد برای بخشی از چپ، ناسیونالیسم کورد خطرناکتر میتواند ظاهر شود از شونیسم فاسد و همیشه جنایتکار "فارس"، که همه میدانیم چه "مستقل" و چه در سنگر مشترک با جمهوری اسلامی از "دیمه" تا "دریای خزر" تا "دفاع از تمامیت ارضی"، تا کاسه لیبی برای امریکا و دفاعشان از محاصره اقتصادی و حمله نظامی و غیره و دفاعشان از ارتش و حتی سپاه پاسداران داستان زندگی آن ناسیونالیسم به شدت خطرناک با ما در مبارزه مان در کل کشور است. حال این "گیر" دادن نادرست و "منزه طلبانه" بنظر میرسد تلاش ناموجهی برای توجیه عدم ایفای خود باشد.

فراخوان و نقش حزب ما و نقش پر رنگ فعالین جدی جنبش کارگری و اجتماعی که ماهیت و سیاست عملکرد بخشی از آنها در اطلاعیه چند نهاد کارگری و اجتماعی در جامعه کردستان فرموله شده است نشان داد که شرکت فعال و بدون تخفیف و سازش روند کمونیستی در این رویداد بسیار ضروری و لازم بود. و نشان داد اتفاقا در آن رویداد جامعه فقط دو صدای راست و کمی متمایل به چپ را شنید بلکه همزمان فراخوان و

ادامه در صفحه ۶

## نشریه شنبه ها

## منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته  
نشریه "سوسیالیسم  
امروز" منتشر میشود.  
آخرین زمان برای ارسال  
مطالب برای نشریه  
روزهای پنجشنبه هر هفته  
است.

## موازین انتشار

## مقالات در نشریه

## سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و  
ویرایش مقالات آزاد است!  
- مقالاتی در این نشریه منتشر  
میشوند که تنها برای این  
نشریه فرستاده شده باشد.  
- مسئولیت مقالات با  
نویسندگان آن است.  
حداکثر حجم مطلب منتشره در  
نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت  
۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفا  
به این آدرس ایمیل بفرستید:

[S\\_zijji@yahoo.se](mailto:S_zijji@yahoo.se)

## به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب  
کمک های مالی خود را برای  
ما بفرستید.

SWEDEN  
SEB BANK  
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما  
انسانهای مبارز و دلسوز  
مستقیما به پیشرفت ما در  
جهت گسترش مبارزه خود  
برای آزادی و برابری و تداوم  
مبارزه همه جانبه تر خود به  
منظور سرنگونی جمهوری  
جنایتکار اسلامی کمک فوری  
خواهد کرد.

اخراج و بیکارسازی موقوف!